



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۰/۰۹



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

افغانستان و افغانیت! و نیایش برای آن

اگر بسیار احساساتی شمرده نشود، کلمه «افغان» برای من آنقدر وزین، سنگین، زرین و دلنشین است که اگر خدای ناخواسته، با تلاش های مذبحخانه ای که بد خواهان به راه انداخته اند، این کلمه زیبا از پهلوی نامم دور شود، خود را کاملاً تنها، بیگس، میان تهی و بی هویت می یابم.

متأسفانه در آشفته بازار وطن، همه چیز، حتی نمک هم گندیده است، کسانی در تلاشند تا این ودیعه را از ما بگیرند. ما آوارگان و گمشدگان در پنج قاره کره خاکی اگر به خود نیابیم و با تعقل و تفکر قدم بر نداریم و دستخوش هوی و هوس هرکس شویم، خیلی زود خواهد بود که نشانی از ما در کره خاکی نماند.

بحث تذکره های الکترونیکی می رود در همان کان نمک به تحلیل برود و چهره بدل کند. اکنون که کار به ستره محکمه محول شده است، خدا کند این دستگاه، دست از پا خطا ندهد و کاری نکند که هویت ملی ما را خدشه دار بسازد. من که در پهلوی دیگر علاقه مند، از این موضوع همیشه دل ناآرام داشته و بعضاً منظومه هایی سروده ام اینک از جمله، دو سروده را یکی بابت هویت ملی و دیگری وحدت ملی، تقدیم می کنم:

افغانیت

همه پرسند ز اصل و نسب و ریشه من

یا ز راه و روش و خصلت و اندیشه من

اصل افغان، نسب افغان، وطن افغانستان

خصلتم دوستی و صدق و صفا پیشه من

پاک باز از لم، تا به ابد پا برجا

آب خورده است ازین چشمه رگ و ریشه من

گر به صلح طلبند، آیت رحمت خوانم

لیک در جنگ، کشد شیر سر از بیشه من

به اهتمام ولی احمد نوری

صلح را آئینه ام، لیک به هنگام مصاف
سنگ خارا شکند هر شکن شیشه من
رنج ایام فرو برد به خویشم، اما
نام میهن نرود دور، ز اندیشه من
نام شیرین وطن کوه کنم ساخت «اسیر»
بیکسی کوه غم و شعر و سخن تیشه من

نیایش !!

یا الهی! درد ملت را ز حد افزون مکن
این وطن را بی وجود تاجک و پشتون مکن

** * **

یا الهی! درد ملت را ز حد افزون مکن
این وطن را بی وجود تاجک و پشتون مکن
رهره، سینای وحدت را من و سلوی رسان
موسی طور حقیقت را تو بی هارون مکن
شیعه و سنی برادر وار با هم زیستند
دو برادر را ز خط دوستی بیرون مکن
شاد کن دل های ما با وحدت و همبستگی
عشرت ما پاکبازان را به غم مقرون مکن
ظن و بدبینی ز قلب تاجک و پشتون زدای
ملت همبسته را بر همدگر مظنون مکن
این دلاور مردمان را بیش ازین از هم میپاش
شاد ازین پاشیدگی بی مایگان دون مکن

این سعادت مند مردم را به چنگ غم مده
از نفاق و دشمنی دل های شان پر خون مکن
از بیک و تاجک، هزاره، همنوا و همدل اند
همنوا و همدل شان دار و دیگرگون مکن
این سپاه پیشتاز قرن را برهم مزین
این عقابان فلک پرواز را مادون مکن
با درایت، تا قدم در حلقه وحدت نهند
پیشوای شان دو سه دیوانه مجنون مکن
قطره های خون چشمم، سیل دامنگیر شد
دیده پر خون ما را، دامن پر خون مکن
سر زمین آریا، "افغان ستان" پاک را
بی ثبات و بی وقار و خوار و نامیمون مکن
ریشه بی اتفافی، در ضمیر شان بسوز
میوه باغ محبت، تلخ و ناموزون مکن
از پریشانی میهن، سخت می نالد (اسیر)
بیش ازینش در کف انده مده، دلخون مکن

م. نسیم (اسیر) دسمبر ۹۴ م، بن المان

